

سالار عقیلی رو در رو با همدلی از اسطوره ای به نام تختی تا همراهی با زلزله زدگان سخن می گوید

# فراموشی؛ درد مشترک کرمانشاه و بزم

◀ بیابید مهربان تر باشیم

افتخار می کنم با «تنها جهان پهلوان دنیا» هموطنم! ▶



عکس: وحید احمدی/تسنیم

**ستاره قاسمی** - از کودکی به موسیقی علاقه داشت و همین هم دلیلی شد برای رفتن به هنرستان موسیقی. آنجا بود که بزرگی دریای موسیقی ایرانی دلش را برد و تصمیم گرفت مسیروش را در این عرصه دنبال کند. خودش می گوید شب و روز نوار استادان موسیقی ایران را گوش می دادم و گاهی درحالی رانندگی آنقدر غرق در هنر این بزرگان می شدم که صورتم از اشک خیس می شد. علاوه بر تعلیم در هنرستان موسیقی به سراغ صدیق تعریف رفت تا ردیف های موسیقی دستگاهی ایران را در محضر او فرا گرفت. استادش جایی گفته بود سالار عقیلی آنچه به لحاظ خدادادی باید، در صدایش داشت و همین عامل هم باعث شد بتواند به چهره ای موفق در موسیقی ایرانی تبدیل شود و عموم با کارهایش ارتباط بگیرند. تا سال ۷۵ و اجرایش در جشنواره فجر شاید کمتر کسی نامش را شنیده بود اما عقیلی که آن روزها جوان بود، توانمندی هایش را در اولین کنسرت نشان داد. آشنایی با حریر شریعت زاده هم همان جا اتفاق افتاد. استعداد خواننده تا معرفی شده و البته صدای متفاوتش بانوی موسیقی ایران را متعجب می کند تا بعد از اجرا بنشینند و درباره موسیقی ایرانی گفت و گو کنند. همکاری در اجرای قطعات

## چرا در این برهه تصمیم به اجرای کنسرت خیریه گرفتید؟

در ابتدا باید بگویم از اجرای این برنامه در میان مردم مهربان و هنردوست شیراز احساس خوبی دارم. خوشحالم که با همراهی گروه، شنبه شانزدهم دیماه مجموعه فرهنگی سینمایی هنرپهرا آفتاب در مجتمع بزرگ خلیج فارس شهر شیراز میزبان علاقه مندان به موسیقی بودیم و توانستیم برای مردم هنرپور شیراز اجرای برنامه کنیم و شاید گام کوچکی برداشته باشیم برای آبادانی مناطق زلزله زده غرب کشور. برای این اجرا که از سوی یک بنیاد خیریه برگزار می شد ما برنامه ریزی کرده بود و آخرین شیرازی هم در آن حضور داشتند، با من تماس گرفتند و درباره چند و چون کار و نگاهشان به ماجرا توضیح دادند. دیدم کار ارزشمندی است. خوشبختانه مردم عزیز شیراز که پیش از این هم در اجراهای مختلف همپامان و البته میزبان ما بودند، استقبال خوبی از این کنسرت داشتند. در این روزها که سرما دارد بیشتر می شود و مردم عزیز کرمانشاه و مناطق زلزله زده آن خطه واقعا روزهای سختی را می گذرانند، از اعماق جان آرزو دارم هر نفس های علاقه مندان و فعالان عرصه هنر دل های داغ دیده و غم زده را کمی گرم کند. قرار است درآمد این کنسرت خیریه به نفع زلزله زدگان عزیز غرب کشور و برای سامان دادن بخشی از آسیب ها هزینه شود.

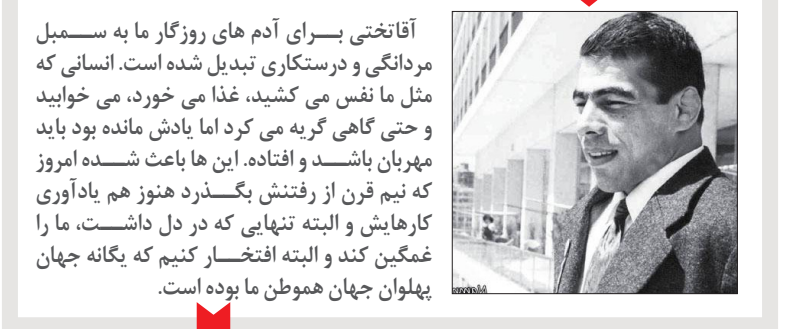
**مواجهه با خبر وقوع اتفاقاتی همچون زلزله کمی عجیب و متفاوت است. انگار آدم برایش پذیرش این میزان تخریب جانی و مالی خیلی سخت است. شما پس از شنیدن اولین خبر درباره حادثه تلخ کرمانشاه، چه احساسی داشتید؟**

شاید اولین حس وقتی خبر رسید زمین کرمانشاه لرزیده و خانه ها را بر سر هموطنانمان ریخته، بهت و حیرت بود. ذهنم ناگهان رفت به چهارده سال قبل و خودم را میان خرابه های بزم دیدم. تصویر شاد و زیبایی که از کرمانشاه در ذهنم ثبت شده بود، همان لحظه شد بزم و روی سرم فرو ریخت. در مورد این حوادث احتمالا آدم ها اول کمی گیج می شوند. باورش سخت است زلزله آمده و این همه کودک و زن و مرد رفتند زیر آوارا! به یاد کارهایی افتادم که قبلا خوانده بودم یا این مطلع: یاد باد آنکه ز ما وقت سفار یاد نکرد/ به وداعی دل غم دیده ما شاد نکرد/ دل به امید صدایی که مگر در تورا/ ناله ها کرد در این کوه که فرهاد نکرد.

**خیلی طول نکشید که قطعه ای با صدایی شما در رسانه ها پخش شد که به زلزله زدگان و عموم مردم ایران تقدیمش کرده بودید و اتفاقا قطعه ویدیویی اش در شیراز مخاطبان کنسرت شنبه شب پخش شد...**

اجرای قطعه در زیر این آوار، با آهنگسازی آقای شایان کریمی و شعر آقای سعید رمضانی حال و هوای عجیبی داشت. در اصطلاح کار دلی بود و از سر احساس دینی که به وطنمان داشتیم، انجامش دادیم. احساس می کردم شاید تولید این قطعه، بتواند قدم کوچکی باشد برای عرض تسلیت به

می کند. وقتی زلزله اتفاق افتاد هوا مثل این روزها سرد نشده بود. در آن روزها چادر و آب معدنی و پتو می توانست مفید باشد که مردم واقعا سنگ تمام گذاشتند. اما هوا سرد شده، باران شروع شده و برف دارد شروع به باریدن می کند. چادرها خیس می شود و زندگی در این صورت غیر ممکن می شود. نباید رها کنیم این کمک ها را. این راه تا ساخته شدن مناطق آسیب دیده ادامه دارد و به نظر می رسد بر فرض حفظ سرعت عمل سه چهار سالی



زمان لازم باشد تا کار تمام شود. کاش کرمانشاه برایمان نبود به شهر؛ شهری که زود فراموشش کردیم. **برسیم به تجلیل از شما در یک کانون ادبی. ایوان شمس در آیین پایان سال خود میزبان اهالی فرهنگ به ویژه شاعران و ترانه سرایان مطرح کشور بود و در آن برنامه تندیس چهره سال ۹۵ به شما اهداء شد.**

مردم همیشه برای من مهم هستند. افتخار می کنم که در طول سال های فعالیتیم از دستان مردم جایزه گرفته ام. آن طور که برگزار کنندگان کانون ادبی زمستان در اهدای این تندیس ارزشمند عنوان کردند کارهایی که طی بیست و دو سال فعالیت هنری مستمر با عشق و مهر مردم انجام داده ام، ملاک و معیار بوده و این نکوداشت به پاس سال های حضورم در عرصه موسیقی انجام شده است. اهمیت تندیس کانون ادبی زمستان برای من دو وجه دارد. اول اینکه آن را از دستان مردم گرفتم و دوم اینکه خوشحالم کانون زمستان که متشکل از چهره های ارزشمند هنر و فرهنگ به ویژه اهالی قلم است، جایزه سال ۹۵ خودش را به من داد. نکته مهمی که لازم است در این فرصت درباره اش توضیح دهم این است که همه جوایز اهداء شده به فعالان عرصه های مختلف تنها متعلق به یک شخص نیست. برای مثال در عرصه موسیقی یک گروه که در آن آهنگساز، ترانه سرا یا شاعر، نوازندگان و خواننده حضور دارند، باید با عشق و جدیت کار کند تا اثری بر دل مردم بنشیند بنابراین به گمان من جوایزی که تا امروز حس کرد، افشین همانجا کاغذ و قلم را برداشت و نوشت؛ وقتی وطن به خود خودش تشنه می شود؛ عشق است اگر نصب رگم دشمن می شود/ خون مرا بریز به رگ های میهنم/ هرگز به حرمت وطنم دم نمی زنم.

**واکنش حاضران در آن برنامه هم جالب بود. آقای دبیری که از ترانه سراهای پیشکسوت ایران است و آثار ماندگاری در زمینه ترانه موسیقی پاپ با قلم ایشان ساخته شده، گلی که از سوی برگزار کنندگان به او اهداء شده بود، به شما هدیه کرد...**

هنرمندان حاضر در مراسم پایان سال ۹۵ کانون زمستان جزء استادان و پیشکسوتان ما محسوب می شوند و لطف و محبتشان برای من واقعا ارزشمند است. این بزرگان در عمل رسم بزرگی و کسوت را به همه ما می آموزند و به گمان من همین رفتار محبت آمیز و مهربانانه می تواند درس هایی باشد برای ما تا به جوان ترها احترام بگذاریم و کمی با هم مهربان تر باشیم. درک و فهم جایگاه استاد سقوله ای مهم در عرصه هنر است. دو شب قبل از برگزاری برنامه کانون زمستان در جشن تولد استاد ایرج «حسین خواجه امیری» حضور داشتم همیشه فکر می کردم اگر کسی بتواند تا شصت یا هفتاد سالگی کیفیت صدایش را حفظ کند، باید خوشحال باشد و البته برای رسیدن به این هدف تلاش طاقت فرسایی انجام دهد اما استاد ایرج با اجرای قطعه در آیین تولدشان در وجود من باعث ایجاد حس لذت، رشک و افتخار شدند. استاد ایرج در هشتاد و پنج سالگی چنان آوازی خواندند که شاید جوانان هم

دیگر متفاوت است. از زمان راه اندازی ارکستر ملی توسط آقای فخرالدینی تا امروز که آقای شهبازیان چوب رهبری اش را به دست گرفته اند، همکاری مدامی با ارکستر داشته ام و اگر قرار باشد احساس خودم را از تجربه این همکاری ها بگویم، به عنوان کسی که سالها در عرصه موسیقی ایرانی فعالیت کرده ام، و افتخار می کنم که مخاطبان موسیقی ایرانی از این اجراها راضی بوده اند. در اولین اجرای ارکستر ملی در جشنواره سی و سوم فجر هم به عنوان خواننده حضور دارم و قرار است در سمندان هم با این ارکستر برنامه داشته باشیم.

طبق برنامه ریزی های انجام شده، قرار است در این کنسرت ۱۴ قطعه با کلام اجرا شود. «ایران»، «تربیز در مه»، «ایران جوان»، «خوشه چین»، «افسون سخن»، «نغمه نوروزی»، «سناغر»، «شکوه گل»، «از خون جوانان وطن لاله دمیده» و «جام مدهوشی» قطعاتی است که قبلا هم برای مردم اجرا کرده ایم و در کنسرت ۱۱ آدیماه به روی صحنه می رود. قطعه «گلرخ»، «از تنهایی گریه مکن» و «مرا رها مکن» از آلبوم «از تنهایی گریه مکن» که حاصل همکاری من و آقای ابوالفضل صادقی نژاد است و مردم عزیزمان به عنوان آلبوم سال ۹۵ انتخاب کردند، در این اجرا به مخاطبان تقدیم خواهد شد. همسرم حریر شریعت زاده هم در اجرای سومین قطعه این بخش و قطعه «سپید و سیاه» از ارکستر ملی را با پیانو همراهی می کند. ارکستر ملی در این اجرا ۴ قطعه بی کلام هم اجرا خواهد کرد.

**هر سال نیمه های دی با نام جهان پهلوان تختی گره خورده و نامش را می شود از زبان مردم شنید. دو سسال قبل قطعه ای با نام جهان پهلوان با صدای شما و با اجرای ارکستر سمفونیک به رهبری بردیا کیاراس اجرا شد. از آن کار خاطره ای هم دارید؟**

راستش اینکه توانستم قطعه جهان پهلوان تختی را با همراهی ارکستر سمفونیک تهران به رهبری آقای بردیا کیاراس در سال ۹۴ آن هم بعد از چهل و هشت سال از پرکشیدنش در میان اهالی کشتی در ورزشگاه دوازده هزارنفری آزادی اجرا کنم، از افتخارات من است.

## آوردن نام جهان پهلوان تختی چه معنایی در ذهن شما تداعی می کند؟

افتخاتی برای آدم های روزگار ما به سمبل مردانگی و درستکاری تبدیل شده است. چه خوب اگر بتوانیم و بخواهیم رسم مهربانی اش را ادامه دهیم. آن طور که در خاطرات جهان پهلوان آمده حریفان خارجی اش که اغلبشان جزو نامداران رشته کشتی محسوب می شوند رقابت و مهربانی و لبخندهای صادقانه اش را بیش از هر چیزی به یاد دارند؛ انسانی که مثل ما نفس می کشید، غذا می خورد، می خوابید و حتی گاهی گریه می کرد اما پادش ماند بود باید مهربان باشد و افتاده. به نظر من این ها باعث شده امروز که نیم قرن از رفتنش بگذرد هنوز هم یادآوری کارهایش و البته تنهایی که در دل داشت، ما را غمگین کند و البته افتخار کنیم که یگانه جهان پهلوان جهان موهون ما بوده است.

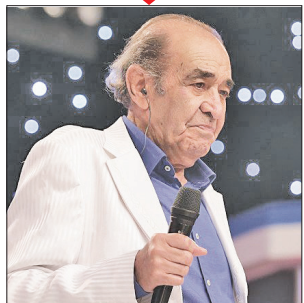
تواند بخوانند. راستش در آن لحظات به جای لذت بردن از هنرنمایشان به طور ناخودآگاه شروع کردم به گوش دادن و درس گرفتن. شبیه ارایه و اجرای تحریرهای استاد با هشتاد و پنج سال سن واقعا قابل تامل بود. قبلا هم گفته ام اما باید تکرار کنم چنین ستاره هایی الگوهای ما هستند و مادر گیتی چنین استادانی را شاید هر سیصدسال یکبار هم نراند. این بزرگان سرمایه های مملکت ایران هستند. قدرشان را باید بدانیم و از حضورشان تا می توانیم استفاده کنیم. من همیشه شرمند محبت های اهالی هنر و مردم بوده ام.

## تفاوت این جایزه با دیگر جوایزی که دریافت کرده اید، چه بود؟

آنچه برایم عجیب و البته جالب بود برگزاری منظم و یا برنامه ریزی دقیق کانون زمستان در ایوان شمس بود. به هر حال اغلب فعالان عرصه فرهنگی تجربه حضور در محافل مختلف نظیر جشنواره ها و جشن های مختلف را دارند اما من در کانون ادبی زمستان نظمی دیدم که اگر نگویم بی سابقه واقعا کم سابقه بود.

## شما نام آشناترین خواننده مخاطبان ارکستر ملی هستید و زمانی از شما با عنوان خواننده ثابت این ارکستر یاد می شد. به نظر می رسد نگاه شما به همکاری با ارکستر ملی با دیگر اجراها تفاوت داشته باشد. در این باره برایمان بگویید...

به نظر من ارکستر ملی ایران در عرصه فرهنگی جایگاهی مشابه تیم ملی در رشته های ورزشی را دارد. عنوان ملی ایران در انتهای نام این ارکستر نشان می دهد نگاه مخاطبان و فعالان در عرصه موسیقی به این ارکستر با ارکسترها و گروه های



دو شش قبل از برگزاری برنامه کانون زمستان در جشن تولد استاد ایرج «حسین خواجه امیری» حضور داشتم. همیشه فکر می کردم اگر کسی بتواند تا شصت یا هفتاد سالگی کیفیت صدایش را حفظ کند، باید خوشحال باشد و البته برای رسیدن به این هدف تلاش طاقت فرسایی انجام دهد اما استاد ایرج با اجرای قطعه در آیین تولدشان در وجود من باعث ایجاد حس لذت، رشک و افتخار شدند.